

دیدگاههای ۳۳ تن از بزرگان امامیه درباره اعتبار احادیث شیعی

[نکته‌های پژوهشی - ۵]

حجّت الاسلام مرتضی فرج‌پور*

چکیده: درباره مبانی ارزیابی اعتبار احادیث کتابهای حدیثی شیعه، دانشمندان امامی - از فقیه و متکلم و مفسر و محدث - سخنانی گفته‌اند. بسیاری از آنان عقیده دارند که ارزیابی سندی، تنها عامل در بررسی اعتبار حدیث نیست. نگارنده در این مقاله، دیدگاههای ۳۳ تن از دانشمندان شیعه را - از قرن چهارم تا دوره اخیر - در این زمینه آورده است که در این میان آنان، بزرگانی مانند شیخ مرتضی انصاری، مولی محمدباقر وحید بهبهانی، مولی محمد تقی مجلسی و علامه محمدباقر مجلسی را می‌توان یافت.

کلید واژه: احادیث شیعه - ارزیابی / کتابهای حدیثی - اعتبار / اعتبار حدیث - دیدگاه عالمان شیعی.

مقدمه

۱. در مورد ارزیابی حدیث و توصیف حدیث به عنوان «صحیح»، دو دیدگاه کلی میان علمای شیعه وجود دارد: دیدگاه قداماء و دیدگاه متأخران.

*. محقق و مدرّس، حوزه علمیه قم.

قدما، نوع احادیثی را که در کتب معتبره آمده است، «صحیح» می دانستند، با ادله خودشان. از جمله اینکه برخی از اصول چهارصدگانه به محضر ائمه علیهم السلام عرضه شده و امامان معصوم بر آنها صحه گذارده بودند. یک مبنای دیگر، این بود که یک حدیث در دو یا چند اصل نقل شود. و مبنای دیگر که در ادامه گفتار به تفصیل خواهد آمد.

۲. متأخران، علاوه بر آن، به سند حدیث نیز توجه می کنند، آن هم با توجه به تقسیمی که از زمان علامه حلی رواج یافت. در این نگاه سند محور، غالباً به متن نیز توجه می شود (کاری که اغلب فقهای امامیه انجام می دهند).

۳. برخی از حدیث پژوهان، چنان در سند محوری افراط کرده اند که توجه به متن حدیث و قرائن موجود در متن را از یاد برده اند. آنان با این نگاه ویژه، خود را از بسیاری از حقایق احادیث امامیه محروم ساخته اند؛ گاهی به این بهانه که دیدگاه اول را مختص علمای اخباری می دانند و سند محوری محض را وسیله ای برای گریز از نگرش اخباری قلمداد می کنند.

۴. در این گفتار، مطالبی از ۳۳ عالم، فقیه، محدث، متکلم و مفسر امامی آمده که ضرورت توجه به متن حدیث را در کنار بررسی سندی گوشزد می کند. این عالمان، از قرن چهارم تاکنون همه بر این نکته پای فشرده اند که مبدا خود را به بهانه سند محوری محض، از حقایق فراوان و بیمانندی که در احادیث امامیه آمده، محروم کنیم.

۵. مطالب این بزرگان به ترتیب زمانی مرتب شده است. به دلیل اینکه مخاطب این نوشتار، فضلا و پژوهشگران علم الحدیث هستند، از ترجمه عبارات خودداری شد. نیز در برخی موارد، سخن به اجمال و ارجاع برگزار شد که امید است در فرصتهای دیگر، به تفصیل و تکمیل مطالب اقدام شود.

سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶)

منتقى الجمان، ج ۱، ص ۲-۳، الهدایة، ص ۱۶۷.
قال المرتضى رضي الله عنه: ... إن أكثر أخبارنا المروية في كتبنا معلومة مقطوعة بصحتها، إما بالتواتر من طريق الإشاعة والإذاعة أو بأمانة وعلامة دلت على صحتها.

محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶)

المعتبر، ج ۱، ص ۲۹.
وكل هذه الأقوال منحرفة عن السنن والتوسط أصوب. فما قبله الأصحاب أو دلت القرائن على صحتها، عمل به. وما أعرض الأصحاب عنه أو شذَّ يجب إطراره.

شهید اول (۷۳۴-۷۸۶)

ولا يصرّ الإرسال، فإنّ الكليني - رحمة الله - ذكرها في الكافي والشيخ في التهذيب. (ذكرى، چاپ سنگی، بحث استخاره، ص ۲۵۲. و نیز به نقل از آن: محدث نوری در مستدرک الوسائل چاپ سنگی، ج ۳، ص ۵۳۲؛ چاپ حروفی، ج ۲۱، ص ۴۶۵)

شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۵)

۱. محدث قمی در تحفة الاحباب، ذیل یونس بن عبدالرحمن می گوید: و عن الشهيد الثاني: أورد الكشّي في ذمّه نحو عشرة أحاديث و حاصل الجواب عنها يرجع إلى ضعف بعض سندها و جهالة بعض رجالها. (تحفة الاحباب، ص ۵۸۶، رقم ۷۶۳)

میرداماد (۹۷۰-۱۰۴۱)

۱. قد يُحكّم بصحة المتن مع كون السند ضعيفاً. (الرواشح، ص ۱۹۳)
۲. اذا وجدت حديثاً بإسناد ضعيف، فلايسوغ لك أن تقول أنه ضعيف المتن بقول مطلق و نعني بالإطلاق ضعف الإسناد و المتن جميعاً بل إنّما لك أن تصرّح بأنّه



ضعیف الإسناد أو تطلق القول و تعنى بالإطلاق ضعف الإسناد فقط. إذ ربما يكون ذلك المتن قد روي بسند آخر يثبت بمثله الحديث و أنت لم تظفر به.^۱ (الرواشح، ص ۲۰۳، چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵ ق)

مولی محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰-۱۰۰۳)

۱. از کتب صدوق ظاهر می شود که حدیث غیر صحیح را در کتابهای خود نقل ننموده است. (لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۰۱)
۲. چون شهادت این دو نفر [کلینی و صدوق] کمتر از شهادت اصحاب رجال نیست، یقیناً، بلکه بهتر است... (لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۰۵)
۳. کافی و ابن بابویه حکم به صحّت این اخبار نموده است. و صحّتی که ایشان می گویند، آن است که یقیناً معصوم فرموده است. (لوامع، ج ۱، ص ۱۸۸)
۴. اکثر اینها [...] به اعتقاد بنده صحیح است، و لکن به قانون متأخرین، این نحو ذکر می کنم. (لوامع، ج ۲، ص ۱۱۱ و ۴۱۱)
۵. اصول اربعمائه به محضر معصومین - سلام الله علیهم - عرضه می شد. (لوامع، ج ۶، ص ۵۴۶)
۶. ذکرناها علی قوانین الأصحاب، و إلا فالظاهر صحّة أخبار الکافی و الفقیه جمیعاً. (روضه المتقین، ج ۷، ص ۸۳-۸۴)

ملاصدرا (۹۷۹-۱۰۵۰)

۱. هذا الحديث و إن كان ضعيف السند - لوقوع الضعفاء مثل سهل بن زياد و مفضل بن صالح و غيرهما في طريقه - إلا أنّ ذلك لا يقدر في صحّته، لأنّه معتضد بالبرهان العقليّ. وكذلك كثير من الأحاديث الواردة في أصول المعارف و مسائل

۱. علامه محمد تقی مجلسی اوّل، در روضه المتقین، شواهد فراوانی در این زمینه آورده است. ایشان، ذیل موارد فراوانی که شیخ صدوق مرسل یا به سند ضعیف آورده، می نویسد: «رواه الكليني في الكافي صحيحاً» یا «رواه الشيخ في التهذيب موثقاً» و نمونه های فراوان در این زمینه در آن کتاب آمده است.

التوحيد و غيره. (شرح اصول کافی، چاپ سنگی محمودی، ص ۱۸، ذیل کتاب العقل و الجهل، ح ۲)
 ۲. ذیل حدیث جنود عقل و جهل که به طور مرفوع روایت شده، وصف بلیغی
 در ارزش آن حدیث دارد که اهل تحقیق بدان مراجعه کنند. (همان، ص ۲۶، ذیل کتاب
 العقل و الجهل، ح ۱۲)

مولی محمد صالح مازندرانی (۱۰۸۶-)

۱- اعلم أنّ الحدیث - وإن كان ضعيفاً بأسانیده الثلاثة عند المتأخرين - لكنّه غير
 مضرّ، لأنّه أثار الصحّة في مضمونه لايح، مع تأييده بالعقل والنقل. (شرح الكافي، ج
 ۱۱، ص ۱۴۱، چاپ اسلاميه، ذیل کتاب الروضة، ح ۱)

مولی محمد بن علی اردبیلی (۱۱۰۱-)

اعلم أنّ الشيخ الطوسي - قدّس الله سرّه - صرّح في آخر التهذيب و الاستبصار بأنّ
 هذه الأحاديث التي نقلناها من هذه الجماعة أخذت من كتبهم و أصولهم، و الظاهر
 أنّ هذه الكتب و الأصول كانت عنده معروفة كالكافي و التهذيب. و غيرهما عندنا
 في زماننا هذا كما صرّح به الشيخ محمد بن علي بن بابويه - رضي الله عنه - في أوّل
 كتابه من لا يحضره الفقيه. فعلى هذا لوقال قائل بصحة هذه الأحاديث كلّها و إن كان
 الطريق إلى هذه الكتب و الأصول ضعيفاً إذا كانوا مصنّفوا هذه الكتب و الأصول و ما
 فوقها من الرجال إلى المعصوم ثقات، لم يكن مجازفاً. (جامع الرواه، ج ۲، ص ۵۴۸)

علامه محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰)

۱. ایشان بارها بر این نکته تأکید می‌ورزد که حدیثی با وجود ضعف سند،
 مضامین آن صحیح است.

نک: اربعین، ص ۳۳۶، ۳۶۶، ۴۷۱، ۴۹۷، ۴۷۹، ۵۰۹.

مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۲.

۲. ذیل احادیث متعدّدی در کافی و تهذیب می‌نویسد:

«ضعیف علی المشهور معتمد عندي» یا «ضعیف علی المشهور معتبر عندي»
 نک: مرآة العقول، ج ١، ص ١٤٢؛ ج ٣، ص ١٥٣؛ ج ٧، ص ٣٦٨ و... نیز ملاذ الاخيار، ج ١٢، ص ٤٨٨؛
 ج ١٣، ص ١٧٢.

٣. در مورد زیارت جامعہ کبیرہ می فرماید: نفس هذه الزيارة شاهد عدل علی
 صحتها. (ملاذ الاخيار، ج ٩، ص ٢٤٧)

٤. خطبة الوسيلة [ضعیف]، لكن هذه الأخبار، قوّة مبانيها ورفعه معانيها تشهد
 بصحتها ولا تحتاج إلى سند. (مرآة العقول، ج ٢٥، ص ٣٥)
 ٥. [در مورد خطبة طالوتیه] ضعيف على مصطلح القوم، لكن بلاغة الكلام و
 غرابة الأسلوب و النظام تأبى عن صدوره عن غير الإمام عليه السلام. (مرآة العقول، ج ٢٥،
 ص ٧٠)

٦. حديث «ثلاثة لا ينظر إليهم...» را در مرآة العقول، ج ٤، ص ١٩٣-١٩٤ (طبق
 مباني متأخرين) مجهول دانسته، ولی خود در حق اليقين، ص ٥٢٠ و نظم اللّغالي،
 ص ٢٢٢، همان حديث را به «سند معتبر» دانسته است.

٧. الصدوق أعرف بصدق الأخبار و الوثوق عليها من ذلك البعض... بل ليس
 جرم اكثر المقدم و حين من أصحاب الرجال إلا نقل مثل تلك الأخبار. (بحار الانوار، ج ٥٢،
 ص ٨٢)

٨. در مقدمه شرح صحيفه گوید:
 اعلم أنّ علماءنا السلف - رضوان الله عليهم - لم يهتموا بضبط أسانيد الدعوات و
 تكثيرها، اهتمامهم بها في سائر العبادات و الأحكام لأمر...

الثالث: أنّ كثيراً من الدعوات تشهد فصاحة عباراتها و غرابة أساليبها على كونها
 صادرة من معادن النبوة و الخلافة، بل لا يجوز ذوفطرة سليمة و فطنة قويمة صدورها
 عن غيرهم عليهم السلام و ادعية الصحيفة كذلك كما لا يخفى.

مع أنّها لاشتهارها مستفيضة، بل متواترة معلومة الصدور عمّن ألهمها صلوات الله

عليه؛ كما أنّ سائر الكتب المشهورة معلوم الانتساب إلى مؤلفيها، مع قطع النظر عن أنّ الطرق من علمائنا إليها كثيرة مذكورة في كتب الإجازات، ونقل الأدعية منها الشيخ وغيره من أكابر القوم و لكل من العلماء إليها طريق عن مشيختهم... فإذا عرفت هذا، فاعلم أنّهم إنّما ذكروا سنداً واحداً في أول الصحيفة، لاتّصال السند اعتماداً على اشتهاها؛ فلا ينظر إلى حال رجال سندها، ولا يضرّ جهالة بعضهم. (الفرائد الطريفة في شرح الصحيفة الشريفة، چاپ اصفهان: مكتبة العلامة المجلسي، ١٤٠٧ ق، ص ٩٧-٩)

سيّد نعمة الله جزائري (١٠٥٠-١١١٢)

١. در مورد سند صحيفه سجّاديّه مي نويسد:

أبو الحسين محمد بن الحسن حاله مجهول في الرجال، كحال الخازن و الخطّاب و البلخي. و هو غير قاذح لتواتر هذه الصحيفة الشريفة بين الخاصّة و العامّة، حتّى أنّ الغزاليّ و غيره سموها إنجيل أهل البيت و زبور آل محمّد عليهم الصلوات. و إنّما زيّنها أصحابنا - رضوان الله عليهم - مسندة، تيمناً و تبرّكاً باتّصال روايتها بالمعصومين (عليه السلام) مع أنّ هؤلاء من المشايخ الإجازة لامن أهل الرواية، فلا يضرّ جهالة حالهم. مع أنّ إعجاز أساليبها و بلوغها الغاية القصوى من البلاغة، شاهدان عدلان على أنّها إنّما صدرت من تلك الأنفاس القدسيّة و النفحات السبحانيّة. (حاشية محدث جزائري بر صحيفه سجّاديّه، نسخه خطي ٥٤٨١ كتابخانه مجلس به نقل: سفينه، شماره ٩، ص ١٠١)

٢. درباره احاديث توحيد صدوق گويد:

اعلم أنّ أسانيد الأخبار المذكورة في هذا الكتاب، و إن كان أكثرها غير نقويّ بالاصطلاح الجديد، لكن هذا لا يقدح فيها من وجوه: منها: إنّها صحيحة باصطلاح المتقدمين؛ فإنّ الصحيح عندهم ما تکرّر في كتب الأصول الأربعمئة أو الكتب، او ما قامت لهم قرينة على صحّته و صدوره عن الإمام (عليه السلام)، و إن كان رواه فاسدي العقيدة، سيّما الأخبار التي يرويها الصدوق طاب

ثراه في مؤلفاته، فإنه يتعهد بوضوح أسانيدها عنده.
ومنها: أن أكثر هذه الروايات الواردة في الأصول مأخوذة من كلام سيد
الموحدين عليه السلام، وطبقات فصاحتها شاهد عدل على صحتها، وإن وصلت إلينا على
طريق الإرسال.

ومنها: أن الأخبار المروية في هذا الكتاب أكثرها موافق لما في الكافي، وهي
هناك المذكورة بالطرق المعتمدة، فلا يضرها أنها غير صحيحة بطرق المجتهدين. (نور
البراهين، ج ١، ص ٤٦-٤٧، ذيل باب ١ كتاب التوحيد)

٣. لاريب أن كلمات هذه الخطبة و ينبوع هذه الفصاحة لا يصدر إلا عن
أمير المؤمنين عليه السلام، فلا حاجة لها إلى تفاوت السند، بل الطريق في أمثالها إنما هو
للتيمن والتبرك ورعاية العننة.

(همان كتاب، ج ١، ص ٩٥-٩٦، ذيل كتاب التوحيد صدوق، باب التوحيد و نفى التشبيه، ح ٢)
٤. هذه الخطبة أكثر كلماتها مأخوذ من خطب أمير المؤمنين عليه السلام، فلا يقدر فيها
عدم نقاوة الطريق. (همان كتاب، ج ١، ص ١٢١، ذيل كتاب التوحيد صدوق، باب التوحيد و نفى
التشبيه، ح ٣)

٦- قال شيخنا المحقق (= علامه مجلسي) أبقاه الله تعالى: هذا الخبر مأخوذ من
الكافي، وفيه تغييرات عجيبة تورث سوء الظن بالصدوق وأنه إنما فعل ذلك ليوافق
مذهب أهل العدل...

أقول: لعل الصدوق -رحمة الله- نقل هذه الرواية برواية الكليني لكن من غير
الكافي، إما من محفوظاته أو من باقي كتبه، وإلا فنسبة التحريف في الخبر ليوافق
المذهب، مما لا يمكن نسبته إلى الصدوق. (همان كتاب، ج ٢، ص ٢٨٢، ذيل كتاب التوحيد
صدوق، باب السعادة و الشقاوة، ح ١)

سید علی خان مدنی (۱۰۵۲-۱۱۲۰)

۱. لَمَّا كَانَتْ نَسْبَةُ الصَّحِيفَةِ الشَّرِيفَةِ [السَّجَّادِيَّة] إِلَى صَاحِبِهَا عليه السلام ثَابِتَةً بِالِاسْتِفَاضَةِ الَّتِي كَانَتْ تَبْلُغُ حَدَّ التَّوَاتُرِ، لَمْ يَقْدَحْ فِي صَحَّتِهَا الْجَهْلُ بِأَحْوَالِ بَعْضِ رِجَالِ إِسْنَادِهَا. (رياض السالكين، ج ۱، ص ۵۸)

مولی ابوالحسین فتونی عاملی (۱۰۷۰-۱۱۳۸)

۱. ایشان در سال ۱۱۰۵ رساله‌ای نوشته تحت عنوان «تنزیه القمیین عن المطاعن». این رساله با تحقیق کاظم جواهری در مجله تراثنا شماره ۵۲ (۱۴۱۸) ص ۱۶۳-۲۴۲ چاپ شده است. ایشان در این رساله، به کلام یکی از بزرگان پاسخ داده که گفته بود: «محدثان قمی به جز صدوق، مجبّر و مشبّه بوده‌اند و یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان به قیاس عقیده داشته، بدان عمل می‌کردند.» در صفحه ۲۳۶ پس از ذکر ادله در تأیید محدثان قمی می‌نویسد: جرح این همه عالم، شهادت یک عادل واحد است که در برابر این همه معارض اعتبار ندارد.

۲. ایشان بحثی مفصل در مورد غلو در مقدمه تفسیر مرآة الانوار (ص ۵۹-۶۹) چاپ اسماعیلیان) مطرح کرده که بسیاری از مصادیق غلو را که در کتابهای رجالی آمده، نقد و بررسی می‌کند. به آن رجوع شود.

مولی محمدباقر وحید بهبهانی (۱۱۱۸-۱۲۰۶)

۱. و المَحْقَقُ فِي الْمَعْتَبَرِ [...] بَالِغٌ فِي التَّشْيِيعِ عَلَيَّ مِنْ اِقْتِصَرَّ عَلَيَّ الصَّحِيحِ. (الفوائد الحائرية، ص ۴۸۸)

۲. بل الصحيح لا يعارض المنجبر المذكور، كما هو المعروف المشهور من فقهاءنا المتقدمين والمتأخرين، وحققناه وأثبتناه في ملحقات الفوائد الحائرية. (مصابيح الظلام، ج ۱، ص ۱۰۲)

۳. ... وأيضاً منجبرة بفتوى المتقدمين والمتأخرين. (همان، ج ۳، ص ۱۱۶)

٤. و لا یضّر الإرسال، أمّا أولاً... حمّاد ممّن أجمعت العصابة على تصحيح ما یصحّ عنه. و أمّا ثانياً فلا تجارها بالشهرة العظيمة. (همان، ج ٣، ص ٢٦٠)
٥. وهذه الروایات، وإن كانت ضعيفة الإسناد، إلا أنّها منجبرة بالقواعد الشرعیة و بعمل الأصحاب... و المنجبرة أقوى من الصحیحة. (همان، ج ٣، ص ٢٩٥)
٦. و هذه الروایة لاتقصر عن الصحیح لو لم یکن أقوى منها، لوجودها في الكتب المعتبرة عن الكلینی و الصدوق و الشیخ، مع أنّ الكلینی و الصدوق قالا في أول کتابیہما ما قالا. (همان، ج ٥، ص ٥٠٨)
٧. و قصور السند بابن فضال، و الإرسال غیر مضرّ، بعد الانجبار بعمل أكثر الأصحاب. (همان، ج ٦، ص ٤٤)
٨. در کتاب الفوائد الحائریة، فائدة ٢٢، حدود چهل وجه در اعتبار حدیث می شمارد.^١
٩. بل الخبر المنجبر بعمل الأصحاب، أقوى من الصحیح - من حدیث هو الصحیح - بمراتب شتی، و بالقبول أخرى. و بناء الفقهاء في الأعصار و الأمصار كان كذلك إلى زمان صاحب المدارك. (الفوائد الحائریة، ص ١٤٣)
١٠. عند معارضة الضعیف المنجبر مع الصحیح الغير المنجبر، یرجح ذلك الضعیف على ذلك الصحیح كما ستعرف. (الفوائد الحائریة، ص ٤٨٧-٤٨٨)
١١. ممّا ذکر ظهر أيضاً أنّه إذا وقع التعارض بین الضعیف المنجبر بالشهرة و الصحیح الغير المنجبر، یكون الضعیف مقدماً علیه كما هو طريقة القدماء و اکثر المتأخرین. (الفوائد الحائریة، ص ٤٩١)
١٢. بل وربّما كانت مثل الروایة بالمعنی و نظائرها سبباً [أي للتضعیف]، ولعلّ من أسباب الضعف عندهم قلة الحفظ و سوء الضبط، و الروایة من غیر إجازة، و

١. ترجمه این گفتار در نوشتاری تحت عنوان «بحث درباره ضوابط ارزیابی احادیث» در سفینه شماره ١٨، ص ١٧٦-١٨٧ آمده است. (ویراستار)

الرواية عمّن لم يلقه، و اضطراب ألفاظ الرواية...

وكذا نسبة الغلوّ عندهم، حتّى تراهم أنّ نفي السهو عنهم عليه السلام غلوّ، بل ربّما جعلوا نسبة مطلق التفويض إليهم، أو المختلف فيه، أو الإغراق في تعظيمهم، ورواية المعجزات عنهم و خوارق العادات لهم، أو المبالغة في تنزيههم من النقائص، و إظهار سعة قدرتهم، و إحاطة العلم بمكنونات الغيب في السماء و الأرض، ارتفاعاً موجباً للتهمة.

(القوائد البهائية، ص ۸، ذیل رجال الخاقانی، ص ۳۷. بنگرید: هامش مقباس الهدایة، ج ۲، ص ۲۹۷)
[به نقل: مقدمة التحقيق كتاب الوصية عيسى بن مستفاد، چاپ مكتبة اميرالمؤمنين عليه السلام، مشهد، ص ۲۵-۲۶]

موارد فراوانی به این مضمون در مصابیح الظلام هست. بنگرید: ج ۱۰، ص ۴۷۲،
۴۰۰، ۵۱، ۴۱۲، ۷۳، ۲۴،

ج ۵، ص ۳۲۸، ۳۳۵

ج ۴، ص ۲۶۴، ۹۳، ۴۲۲،

ج ۳، ص ۲۶۰، ۱۱۶،

ج ۲، ص ۴۰۸،

ج ۸، ص ۵۰۸،

نقل قول از وحید بهبهانی در مستدرکات علم الرجال مرحوم نمازی ۶۱/۱.

مولی مهدی نراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹)

۱. و إن كانت ضعيفة إلا أنّ الرواية معتبرة لوجودها في الأصول المعتمدة. (مستند

الاحكام، ج ۱۷، ص ۳۳۴)

۲. ولا يضرّ ضعف الروايات بعد وجودها في الأصول المعتمدة. (همان، ج ۱۵،

ص ۳۱)

۳. للمرويّ في المصباح المنجبر ضعفه بالاشتهار. (همان، ج ۱۵، ص ۱۶۱)



۴. و وصف الروایتین بعدم الصحّة - مع أنّه غير ضائر عندنا مع وجودهما في الأصول المعتمدة و انجبارهما بالإجماع المحقّق و المحكّي مستفيضاً... غير جيّد. (همان، ج ۱۷، ص ۱۷)

۵. و تضعيف هذه الرواية - مع انجبارها بما مرّ حتّى اشتهرت بالمقبولة - غير جيّد أيضاً... هذا مع أنّ في السند قبلهما صفوان بن يحيى، و هو ممّن نقل إجماع العصابة على تصحيح ما يصحّ عنه. (همان، ج ۱۷، ص ۱۹)

سيّد علي طباطبائي (۱۱۶۱-۱۲۳۱)

۱. المعتبرة المنجبرة قصوره بالجهالة، بعمل الطائفة. (رياض المسائل، ج ۱۳، ص ۴۸۲) در اينجا قانونی کلی بيان می دارد که: حديثی را که علما به آن اعتنا و اعتماد کرده اند، گرچه سندش مجهول و ضعيف باشد، معتبر شمرده می شود.
۲. مضافاً إلى الخبر المنجبر قصوره أو ضعفه بالعمل. (همان، ج ۵، ص ۱۰)

سيّد عبدالله شبر (۱۱۸۸-۱۲۴۲)

۱- فهي [= الزيارة الجامعة] كسائر كلامهم، الذي يُغني فصاحة مضمونه و بلاغة مشحونه عن ملاحظة سنده، كنهج البلاغة و الصحيفة السجادية و أكثر الدعوات و المناجاة. (الأنوار الامعة، طبع امين، ص ۱۴)

محمد حسين اصفهاني (- ۱۲۵۴)

ایشان در باب تعدّد الفاظ ذمّ گوید:
و منها قولهم: ضعيف، أو ضعيف الحديث. و هو غير صريح في التفسير، لجواز أن يكون التضعيف من جهة الاعتماد على المراسيل، كما هو الظاهر من الأخير، ولو صرح بذلك لم يقدح قطعاً، و إن عدّه بعضهم قادحاً، كما عن كثير من القميين.
الفصول الغروية، ص ۳۰۴ [بنگريد: هامش منتهى المقال، ج ۱، ص ۱۱۳]

[به نقل: مقدمة التحقيق كتاب الوصية عيسى بن مستفاد، چاپ مكتبة اميرالمؤمنين عليه السلام، مشهد، ص ۲۵]

شيخ مرتضى انصارى (۱۲۱۴-۱۲۸۱)

۱. ایشان درباره حدیثی که سندش ضعیف باشد، می گوید: اگر کسی از سلیقه و رویه محدثان قم آگاه باشد که آنان خبر ضعیف را - در حالتی که محفوف به قرائن نباشد - نقل نمی کردند... فهذا ممّا یوجب الاعتبار فی الجملة. (مکاسب محرّمه، آخرین صفحه از چاپ تبریز)

۲. إنّ السیّد (= الشریف المرتضی) یدعی تواترها (أحادیث) أو احتفافها بالقرینة المفیدة للعلم، كما صرّح به فی محکمی کلامه فی جواب المسائل التّبانیات من أنّ أكثر أخبارنا المرویة فی کتبنا معلومة مقطوع علی صحّتها إمّا بالتواتر أو بأمانة و علامة تدلّ علی صحّتها و صدق رواتها فهی موجبة للعلم مفیدة للقطع و إن وجدناها فی الکتب مودعةً بسندٍ مخصوص من طریق الأحاد. (رسائل، ص ۹۲، چاپ سنگی، ۱۳۲۶ قمری، خط مصطفی نجم آبادی؛ افست مصطفوی، ۱۳۷۴ قمری)

.... و لا یخفی أنّ شهادة مثل هذا المحدث الغوّاص فی بحار أنوار أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام لعمل أصحاب الأئمة بالخبر الغير العلمی و دعواه به حصول القطع له بذلك من جهة التواتر، لا یقصر عن دعوی الشیخ و العلامة الإجماع علی العمل بأخبار الأحاد و سیأتي أنّ المحدث الحرّ العاملی فی الفصول المهمّة ادّعا ایضاً تواتر الأخبار بذلك.

و منها [دلائل عمل به خبر واحد] ما ذكره شیخنا البهائي في مشرق الشمسین: ان الصحيح عند القدماء ما كان محفوفاً بما یوجب ركون النفس الیه.

... و ليس هذا مثل الصحيح عند المتأخرین... فالمراد أنّ المقبول عندهم ما تركن

إلیه النفس و تثق به... (رسائل، چاپ افست مصطفوی، ۱۳۷۴ قمری، ص ۹۸)

و مثل ما فی الاحتجاج عن تفسیر العسکری عليه السلام فی قوله تعالی: «و منهم أمّیون

لا يعلمون الكتاب الآية» من أنه قال رجل للصادق عليه السلام: فإذا كان هؤلاء القوم من اليهود والنصارى... إلى أن قال... أولئك أضرب على ضعفاء شيعتنا من جيش يزيد - لعنة الله عليه - على الحسين بن علي عليه السلام. انتهى.

دلّ هذا الخبر الشريف، اللائح منه آثار الصدق علي جواز قبول قول من عرف بالتحرز عن الكذب... (رسائل، ص ۸۵-۸۶)

میرزا ابوالفضل تهرانی (۱۲۷۳-۱۳۱۶)

۱. صدوق، به نحو ارسال - که کمتر از غالب مسانید نیست -... (شفاء الصدور، ص ۲۸۵، طبع سنگی، ۴۰۰/۱؛ بنگرید: ص ۳۹۴، طبع سنگی، ۱۶۷/۲، چاپ دو جلدی)
۲. [سند زیارت عاشورا] بر مبنای قدماء سند صحیح است. و بر مبنای متأخرین، یا صحیح است یا حسن و بر مبنای من، حجت می باشد. (شفاء الصدور، ص ۴۷-۴۸، چاپ سنگی و ۶۴/۱-۷۲ چاپ دو جلدی)

حاج آقا رضا همدانی (- ۱۳۲۲)

۱. اعتماد کلینی و صدوق، اطمینان بخش تر از توثیق دانشمندان رجال است. و کیف کان فالروایة بحسب الظاهر من الروایات المعتمدة التي لا يجوز ردّها من غیر معارض مکافی إذ لیس المدار عندنا فی جواز العمل بالروایة علی اتّصافها بالصحة المصطلحة، و إلا فلا یکاد یوجد خبر یمکننا إثبات عدالة رواتها علی سبیل التحقیق، لولا البناء علی المسامحة فی طریقها، و العمل بظنون غیر ثابتة الحجّیة. بل المدار علی وثاقة الراوی، أو الوثوق بصدور الروایة، و ان کان بواسطة القرائن الخارجیة التي عمدتها کونها مدوّنة فی الكتب الأربعة، أو مأخوذة من الأصول المعتمدة مع اعتناء الأصحاب بها، و عدم إعراضهم عنها، و لا شبهة فی أنّ قول بعض المزکین بأنّ فلاناً ثقة أو غیر ذلك من الألفاظ التي اکتفوا بها فی تعديل الرواة لا یؤثر فی الوثوق أزید ممّا یحصل من إخبارهم بکونه من مشایخ الإجازة، و لأجل

مانتقدت الإشارة إليه جرت سيرتي على ترك الفحص عن حال الرجال، و الاكتفاء في توصيف الرواية بالصحة، كونها موصوفة بها في السنة مشايخنا المتقدمين التي تفحصوا عن حالهم. (مصباح الفقيه، كتاب الصلوة، چاپ سنگی، ص ۱۲؛ چاپ حروفی، ج ۹، ص ۶۰)

۲. تضعيف مثل هاتين الروایتين مناف لما هو الحق، و عليه المحقق من أن كل ما قبل الأصحاب من الروایات، فهو مقبول و إن ضعف سنده. (مصباح الفقيه، كتاب الطهارة، چاپ سنگی، ص ۳۵۹)

سید محمد تقی موسوی اصفهانی (۱۳۰۱-۱۳۴۸)

قال المتأخرون من المجتهدين: الخبر الصحيح ما كان راويه في كل طبقة عدلاً امامياً. و قال المتقدمون: هو ما حصل الاطمئنان بصدوره عن المعصوم. و مرادي بالصحيح في هذا الباب (باب اول از كتاب مكيال المكارم) هو المعنى الاول، و كلما عبرت فيه: بسند كالصحيح أو الصحيح على بعض الوجوه، فهو الصحيح بالمعنى الثاني.

(مكيال المكارم، ج ۱، ص ۵۸، ط مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۲۲، در پایان باب اول كتاب)

ميرزا محمد حسين نائيني (۱۲۷۷-۱۳۵۵)

آيت الله خويي می نویسد:

از استادم مرحوم نائینی شنیدم که می گفت: إن المناقشة في أسناد الكافي حرفة العاجز. (معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۹۹)

شيخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹)

۱. (در مورد شيخ صدوق): اصحاب ما مراسيل او را کمتر از مراسيل ابن ابی عمير نمی دانند.

(تحفة الاحباب، ص ۴۶۹، ذیل نام محمد بن حسين بن بابويه قمی، رقم ۶۲۶)

۲. عیسی بن المستفاد... بعضی علما او را ضعیف شمرده‌اند، ولكن اعظم شیوخ بر کتاب او اعتماد کرده‌اند و از آن کتاب نقل نموده‌اند؛ مانند: ثقة الاسلام (کلینی) و سید رضی و سید ابن طاووس. (تحفة الاحباب، ص ۳۷۱، رقم ۴۹۷)

۳. محدث قمی در مورد یونس بن ظبیان، بعضی اقوال را در تضعیف او آورده و سپس کلامی از محدث نوری - عطر الله مرقده - در خاتمه مستدرک در پاسخ به آن اقوال نقل می‌کند و طالبین را به آن کتاب شریف ارجاع می‌دهد. (تحفة الاحباب، ص ۵۸۲-۵۸۳، رقم ۷۶۲)

۴. در مورد مفضل بن عمر جعفی، بعضی اقوال را در تضعیف او آورده و پاسخ آن را به تفصیل داده است. (تحفة الاحباب، ص ۵۱۹-۵۲۱، رقم ۶۸۹)

سید محسن امین (۱۲۸۴-۱۳۷۱)

فإن نهج البلاغة لا يحتاج إلى شاهد، بل هو الشاهد بنفسه لنفسه. (اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۷۹)

سید محمود امام جمعه زنجان (۱۳۰۹-۱۳۷۴)

الصحيفة المطهرة القدسيّة و تعرف بزبور آل محمّد و انجيل أهل البيت - سلام الله عليهم - متواترة قطعية الصدور. و ناهيك اشتمالها على لباب الإلهيات بألفاظ في غاية الفصاحة، يمتنع صدورها عن غير أهل العصمة. و ذلك بحمد الله تعالى عدّ من الأوّليات عند من له إمام بالإسلام و قدم راسخ في العلوم، حتّى أنّها أوضح صدوراً من نهج البلاغة، إذ ربّما يتعيّن فيه شاذّ في غاية الندرة ممّن ختم الله على قلبه و جعل على بصره غشاوة، إمّا لفقدان الاستعداد العلميّ و جبلة التحصيل و ملكة النقد أو لغريزة النصب و الشقاوة الذاتية. و قد أوضح جملة من علماء العامة صحّة انتساب نهج البلاغة و أثبت بالمدارك الحيّة وجود الخطب في مصنّفات ثلّة من علماء الفريقين الذين ماتوا قبل مولد السيّد رضي الدين بمائة سنة، و بالغ في ذلك

العلامة ابن أبي الحديد المعتزلي في شرحه المعروف في غير موضع من كتابه
بيانات مختلفة، فراجع.

و بالجمله لم يذكر خلافًا ما من أحد في صحّة انتساب هذا الصحيفة. و لم ينقل
ترديد فيه إلى يومنا هذا. فالغرض من ذكر الأسانيد، بعد التبرك بأسماء شيوخ العلم و
أساطين المعرفة و حملة الدين - سلام الله عليهم - هو حفظ حريم فنّ الحديث.
(حاشية نسخة خطی صحیفه سجّادیه به خط ايشان، به نقل: سفینه شماره ۷، ص ۱۸۳ و ۱۸۴)

شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۹)

۱. محقق تهرانی توضیح می دهد که اصول اربعمائه به محضر امام رضا و جواد
- سلام الله علیهما - عرضه شده است. (الذریعه، ج ۲۴، ص ۱۵۱)
وقتی اصول چهارصدگانه به محضر معصوم عرضه شود و کلینی و صدوق و
امثال آنها، از آن کتابها اخذ کنند، اگر تک تک افراد سند مربوط توثیق نشوند، همین
صحّه گذاشتن معصوم حکایت از آن دارد که این راوی توثیق نشده خلاف نگفته
است.

۲. ایشان رساله ای درباره کتاب کافی نوشته و در آن، مبانی متقدمان و متأخران را
در ارزیابی احادیث آن کتاب بیان داشته، و مبانی ثقة الاسلام کلینی را در آن توضیح
داده است. متن کامل این رساله با ترجمه فارسی آن در سفینه شماره ۲، ص ۶۷-۷۹
آمده است.

سید محمد هادی میلانی (۱۳۱۳-۱۳۹۵)

۱. دعای شریف ندبه، شامل اعتقادات حقّه و مستند به معصوم علیه السلام است.
علامه مجلسی در بحار [الانوار، ج ۲۲، چاپ سنگی] از طریق سید ابن طاووس از
شیخ جلیل محمد بن مشهدی - که در کتاب مزار خود نوشته متعهد است که دعاها و
زیارات این کتاب را از ثقات روات، از حضرات معصومین علیهم السلام نقل نماید - و در زاد

المعاد از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده و علامه نوری در کتاب تحفة الزائر با شرح مفصّلی آن را نقل نموده است. بعد از نقل این بزرگواران و اسناد آن به معصوم علیه السلام اطمینان کامل حاصل می‌گردد و تشکیک بعضی بی‌خبران قابل اعتنا نیست؛ به خصوص که این دعا نزد بزرگان علما، از قدیم، صحّت آن از مسلّمات بوده است؛ همچنان که شیخ بزرگ، مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری - اعلی الله مقامه - به بعضی کلمات این دعا استشهاد نموده‌اند. (دیدگاه‌های علمی آیت‌الله سید محمدهادی میلانی، به کوشش غلامرضا جلالی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۱۹)

۲. يدلّ عليه ما ذهب إليه المشهور ما رواه في المستدرک عن عوالي اللئالي قال: سئل الصادق علیه السلام فقيل له: يابن رسول الله ما حال شيعتكم في ما خصّكم به... [الحديث مستدرک الوسائل، باب ۴ من الأنفال، ح ۳] وهذه الرواية، وإن لم تكن في مجامع الحديث التي عليها العمل، لكنّها توافق مضموماً لما ذهب إليه المشهور من الصدر الأوّل، وبذلك يحصل ما هو الملاك لحجّة الخبر، وهو الوثوق بصدوره، مضافاً إلى دلالة الروايات الآخر بعمومها التي منها رواية سالم بن مكرم عن أبي عبد الله علیه السلام في حديث يسأل الرجل...

[الحديث، وسائل، باب ۴ من الأنفال، ح ۴]

(محاضرات في فقه الإمامية، ج ۴، مجلد خمس، ص ۲۰۹)

شیخ علی نمازی شاهرودی (۱۳۳۳-۱۴۰۵)

- ایشان در مقدمه جلد اول مستدرکات علم الرجال، مباحث مبسوطی در اثبات اعتبار کتب اربعه دارد. (ص ۱۹-۶۹)
- ایشان کتابی مستقل در همین موضوع نوشته با عنوان «الأعلام الهادية الرفیعة باعتبار الكتب الأربعة» که توسط انتشارات جامعه مدرسین قم، چاپ و منتشر است. تلخیص و ترجمه فارسی آن در قالب یک مقاله، در سفینه شماره ۲، ص ۸۰-۱۰۸ آمده است.

امام خمینی (۱۳۲۰-۱۴۱۰)

کتاب البیع امام خمینی، ص ۴۶۸:

مرسلات الصدوق علی قسمین: أحدهما ما أرسل و نسب إلى المعصوم عليه السلام بنحو الجزم كقوله: قال امير المؤمنين عليه السلام كذا. و ثانيهما ما قال: روي عنه عليه السلام مثلاً. و الأول من المراسيل المعتمدة المقبولة.

[شبيهه عبارت و حید بهبهانی در مصابیح الظلام، ج ۸، ص ۱۶۵. و مع ذلك قال: قال امير المؤمنين عليه السلام، و لم يقل: رُوي عن امير المؤمنين عليه السلام]

آیت الله سیّد ابوالقاسم خویی (۱۳۱۷-۱۴۱۳)

۱- در مورد فرمان امیرالمؤمنین عليه السلام به مالک اشتر می نویسد: و العهد، و إن نقل مرسلًا إلا آثار الصدق منه لائحة. (مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۲۶۸)

۲. ضعيفة السند... إلا أنّ تلك التعليقات... تعليقات صحيحة، فلا بأس بالتمسك بها. (همان، ص ۴۳۶)

۳. ... و من البديهي أنّ الصحيفة [السجّاديّة] وصلت إلينا بسند معتبر. (همان، ص ۳۳۶)

۴. در مواضع مکرّر، با وجود ضعف سند حدیث، حکم بر صحّت متن حدیث می کند. (همان، پاورقی ص ۲۵۱، و متن ص ۲۶۸ و ۴۳۶)

۵. استناد به جمالتی از زیارت جامعه کبیره و استخراج حکم فقهی از آن. (همان، ص ۳۲۳)

سیّد احمد روضاتی (معاصر)

صدور ادعية الصحيفة الكاملة السجّاديّة المعروفة - و هي التي بين يديك - من إنشاء الإمام السجّاد زين العابدين عليّ بن الحسين عليه السلام، ممّا لاشكّ فيه و لاشبهة تعترية، لكونها مشتملة على حقائق المعرفة و الحكمة. و فيها عبقة من كلام النبوة و

قبس من نور مشكاة الإمامة. فهي كالصحف الإلهية السماوية. ولذا عبّروا عنه تارة بزبور آل محمد وأخرى بإنجيل أهل البيت وثالثة بأخت القرآن، تجاه نهج البلاغة الذي هو أخ القرآن، لأنّ القرآن هو كتاب نازل، وهذه الصحيفة والأدعية قرآن صاعد.

فقد تواتر نقل الصحيفة الكاملة عن سيّد الساجدين عليه السلام. ولذا استدلّ بها فقهاؤنا الأكابر وأعاضم المجتهدين، أمثال صاحب الجواهر في مقام الاستنباط، كما في صلاة الجمعة.

فتواتر الصحيفة الكاملة مغنى عن ذكر إسنادها مع أنّ الطرق إلى روايتها كثيرة... و بالجملة تواتر الطرق وقوة دلالة المتن على صدوره عن المعصوم عليه السلام يغنيننا عن الإطالة في المقام. وقد بسطنا الكلام حولها في كتابنا «المستدركات على روضات الجنّات».

(مقدمة ایشان بر نسخه چاپ عکسی صحیفه سجّادیّه به خط میر ابوالقاسم کبیر، بنگرید: سفینه،

شماره ۷، ص ۱۸۷-۱۸۹)